



توپراق

شهریور ۱۳۸۸

ارگان کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان / ویژه نامه خوی

باتی آذربایجان میلی مودافیعه کمیته سی نین خوی قولونون یارانیش

بیلدیریسی

گونئی آذربایجانین باتی بؤلگه سی اسکی لردن بری تورک اولوسونون اؤزگون دوغما یوردو اولوبدور. بو توپراق تاریخ بویو تکجه تورک مدنیتینده دیبل بل اینسانلیق توپلومونون گلیشمه سینده اویقارلیق یارادان اوجاق لارین ایلك بئشیک سیایلاراق تورک کولتورونون زنگینلیگینده تمل اؤنمه مالیک اولوب اؤزه ل ژئو ایستراتژیک دورومونا خاطر تاریخین چئشیدلی اثره لرینده یابانجی ائللرین سالدیریجی باخیش لارینا معروض قالیب دیر. بو سالدیریجی باخیش لار آذربایجان تاریخینده ایلك توپلولوق لار یارانان دان بری زامانیمیزا قدر توپراق داعواسی کیمی داوام ائتمکده دیر. اسکی دؤورانلاردا باتی آذربایجاندا یاشایان تورک بودونلاری نین دوشمان طینت لی قونشولاری ، آسوری لر ، آریایی لر ایله اثرمنی لر اولسایدی بو گون ایسه کورد تئورچو هؤرگوتلرین بو توپراغین تورکلویونه قارشى طاماحکار دوشونجه لری دیر.

بو تئورچو هؤرگوتلرین یارانیشلاریندان بری ائتدیکلری چالیشمالار چئشیدلی یؤنلردن ایره لی سوروله رک باتی آذربایجان توپراغینا اولان سالدیریجی باخیشلارین آیدینجا سینا گؤستریمک ده دیر. بو تئورچو هؤرگوتلرین یانلیش تاریخ یازماقلا اوبدورما تاریخ یاراتماق ، باتی آذربایجان شهرلری نین جمعیتی ترکیبینی ده ییشدیره رک اولوس لار آراسی سوییه ده لابی ائتمکله آذربایجان - تورک شهرلرین کورد توپلولوق لار کیمی دونیایا تانیتدیرماق ، مئدییا واسیطه سی ایله کورد کوتله لری ایچره اوبدورما دوشونجه لر یایماق ، نهایت سیلاح گؤتوروب بشری مدنیتته ضیدد اولان تئورچولوق واسیطه سی ایله مالیاخولیاپی آماجلارین سونوجا چاندیرماغا ایره لی له ییرلر.

بونلارلا یاناشی گونئی آذربایجانین سییاسال گوجه مالیک اولماماسی هابئله فارس استعمارى آلتدا یاشاماسی بو دورمو داها دا شیددتلندیریر . کوردلرله سويداش اولان فارس راسیسمی تورکلویه قارشى اولان سییاستی اساسیندا چئشیدلی یوللارلا کورد تئورچولاری دستکله ییر. اؤرنک اولاراق : باتی آذربایجان شهرلری نین جمعیتی ترکیبین دیشدیریلمه سینده کوردلره الیندن گلن یاردیمی بئله اسیرگه مه ییر ، پ . ک . ک - یژاک کیمی تئورچو قروپلارین محوبنه جیددی پراتیک بیر آددیم گؤتورمه ییر ، بورادا اوز وئر ن اولایلاری خبری بایکوت ائده رک تورک اولان عسگرلرین شهادتینه اعتناسیزجا داورانیر ، عراقین قوزئیینده یاشایان بارزانی کیمی کورد تئورچو قروپلار ایله توغرالی ایلیشگی لره گیریر و ...

بو آرادا خوی شهری باتی آذربایجانین اؤنملی شهرلریندن ساییلاراق کورد تئورچولارین چیرکین سییاستیندن مصون قالمایب گونو گونده ن فارس شوونیسیمی حیمایتی ایله تئورچو قروپلارین خطرینی داهادا آرتیق حیس اندیر . بو اوزده ن بیز بیر سیرا خوی شهری نین میلی فعالی اولاراق اؤز تورک میلیتمیزین تئورچو قروپلار قارشى اوبانیشین هر نه دن اوستون توتوب باتی آذربایجان میلی مودافیعه کمیته سی نین خوی قولونون یارانیشین اعلان ائدیریک.

خوی شهری

۱۳۸۸ - ینجی ایل فروردین آیی



توپراق

ارگان کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان

ویژه نامه خوی / شاخه خوی

شهریور ۱۳۸۸

Topraq
Batı Azərbaycan milli
müdafiə komitəsinin orqanı
Özəl sayı - xoy qolu

www.bati-az.com

bati.azerbaycan@gmail.com

خوی مهد تمدن ۶۰۰۰ ساله تورکان

شهرستان خوی به سبب موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی خود، از گذشته های دور همیشه در معرض تاخت و تازها و کشت و کشتارها بوده و ساکنین شهرهایی چون خوی که در بلاد سر حدی قرار گرفته اند، کمتر روی آرامش و راحتی می بینند.

خوی به عنوان مهد تمدن ۶۰۰۰ ساله که در سالنامه های آشوریان بنام حویه وه (hovaiava) و در تورات بنام حویه (hovaiya) و در کتاب العالم من المشرق الی المغرب با نام خویه (khovaiya) و بالاخره در سال ۲۵۰ هجری قمری، ابن خرداد در کتاب المسالک والممالک بنام کنونی خوی، از آن یاد میکند هیچگاه به معنی واژه کردی نمک یا قوچ در زبان ارمنی (که متاسفانه برخی افراد ناآگاه در نوشته های خود این معنی را به واژه خوی نسبت میدهند و هیچ مبدا تاریخی آنرا تایید نمیکند) نبوده و اندک مطالعه ای در تایخ ایران وجهان موضوع را روشن میکند. بر طبق سنگ نوشته های آشوری، خوی شهری آبادان بوده و احتمال دارد، لقب «هزاردیه» که در سنگ نبشته های آشوری آمده در مورد این شهر باشد، که هر تسفلد به آن اشاره کرده است. شهرهای کنونی قطور، خوی، مرند، این ناحیه را آشوریان «سان گی بوتو» می نامیدند و از قرن نهم تا پایان قرن هشتم قبل از میلاد کاملاً جزو «اورارتو» بوده است و سرنوشت آن بعد از آن تاریخ تا سقوط آشور و «اورارتو» روشن نیست.

جلگه «سان گی بوتو» ناحیه ای بود زراعتی و حاصلخیز، کوههایی که آن را از دره ارس جدا می کردند و رشته جبالی که به موازات مدار قرار داشته، «با گردنه قطور» ناحیه مزبور را از فلات آسیای صغیر مجزا می سازد. در عهد باستان کاملاً پوشیده از جنگل انبوه بودند. اورارتوها در این منطقه دارای استحکاماتی بودند، از جمله: در دره بسطام، از بخش چاپپاره (قره ضیاءالدین)، که سنگ نوشتهایی نیز به خط آن قوم در ۱۶ سطر پیدا شده و هم اکنون در موزه ایران باستان نگهداری میشود. این سنگ نوشته به فرمان رؤسای دوم پسر آرگیشتی دوم (۶۴۱-۶۸۰) نوشته شده است. و ترجمه آن چنین است: «رؤسا پسر آرگیشتی این معبد بلند را برای خالدی خدای (اورارتو) برپا کرد. به نیروی خالدی، رؤسا پسر آرگیشتی سخن میگوید: این سرزمین خالی بود و چیزی در اینجا برپا نشده بود، همانطور که خالدی به من فرمان داده است، من در اینجا بنا ساختم، و این جای را شهر رؤسا نامیدم. رؤسا پسر آرگیشتی گوید: کسی که این سنگ نبشته را منهدم کند و به آن زیان رساند، یا آن را بشکند، خالدی خدای (اورارتو) او را به وسیله خدای هوا و خدای آفتاب و خدایان دیگر برخواهد انداخت و در زیر آفتاب، نامی از خود نگاه نتواند داشت. منم رؤسا پسر آرگیشتی شاه نیرومند، شاه کشورها، کشور بیابینی (اورارتو) شاه شاهان، سرور شهر توشپا، توشپا، پایتخت «اورارتو» در کنار دریاچه وان بوده است. و رؤسا که خود را سرور توشپا مینامد، به صراحت اعلام میدارد، که اینجا خالی بوده و وی تنها معبدی در اینجا ساخته است، متوجه نکتههای ظریف می شویم، آنهم اینکه برعکس تصور دیاکونوف، این مناطق مدام، زیر سلطه اورارتوها نبوده است و اقوام دیگری در این مناطق ساکن بودند که منابع و مراجع مختلف باستانی، به قوم گیلزان و طایفه ای از آن «خُورُی» اشاره مینماید. حکومتهای ماننا ها (ماننا)، آشوران و اورارتوها، مدام در این منطقه با آن درگیر بودند. سارگون امپراتور آشور پس از اتحاد با ماننا ها، از شرق دریاچه اورمیه عبور نموده، آنگاه قلعه مضاعف، «تاروئی تارماکیس» در سرزمین قبیله دالیان که تبریز کنونی باشد و احتمالاً نام تبریز از جزء اول آن، یعنی تاروئی آمده تسخیر کردند، این قلعه را که پایگاه اسبان ذخیره سواران اورارتو بود، ویران ساختند، پس از آن از مرند و خوی گذشته و «سان گی بوتو» را نزدیک خوی گرفته، بعد از تسخیر شهر «اولخو» (هم اکنون نام محلی در

سلماس است)، از طریق گردنه «قوتور» (قطور) وارد خاک اصلی اورارتو شدند، بنا به یکی از الواح آشوری، سارگون ۲۲ قلعههای را که در سال ۷۱۶ ه.م از اورارتو پس گرفته بود، به «الوسونو» شاه ماننا داد، با این که «الوسونو» شاه ماننا متحد آشور بود، ولی در آن هنگام استقلال بیشتری یافته و دولت مقتدری به شمار میرفت و از سال ۷۱۳ دیگر خراجی به آشور نمیداد و حتی گاهی به اراضی سرحدی آشور دست اندازی میکرد. ماننا ها قبل از مادها در آذربایجان، قویترین حکومت را تشکیل داده بودند و در تورات نیز ناشمان آمده است: «علمها در زمین برافرازید و کرنا در میان امتهای بنوازید، امتهای را به ضد او حاضر سازید و ممالک آرات و منی و اشکناز را بروی جمع کنید.» و...

در قاموس کتاب مقدس، صفحه ۸۴۰، در توضیح این واژه آمده است که: «جزوی از ممالک محروسه اران بوده است.» بعد از تضعیف قدرت ماننا ها، مادها بر این ناحیه حکم میرانند و سپس این منطقه تحت سلطه هخامنشیان قرار میگیرد که به سبب کمبود منابع از وقایعی که آن زمانها بر خوی گذشته، اطلاع چندانی نداریم. ولی به قول مرحوم علامه دکتر رزیاب خوبی، نام «خوی»، در سنگ نبشته «داریوش» شاه هخامنشی نیز، با قریب همین تلفظ آمده است. پس از سقوط دولت هخامنشیان، یکی از ایالتهای مهم «آتورپاتکان» بوده است و در عهد اشکانیان به علت شهر سرحدی بودن، با امپراتوری روم همواره در منازعات اشکانی و روم درگیر بوده است. چنانکه، مارکوس آنتونیوس (آنتونی یا آنتوان)، یکی از اعضای دولت سه مرده دوم روم و مسئول اداره بخش شرقی امپراتوری روم و همسر کلئوپاترای معروف، بعد از اطلاع از شدن درگیری جنگ قدرت، در ایران و کشته شدن گروهی از شاهزادگان و اشراف پارتی، به منظور بهره گیری از آشفتگی درونی دولت اشکانی و در نتیجه، کسب افتخار و اعتبار در برابر رقبای سیاسی خود، در ترکیب حاکمیت روم، به فکر حمله به ایران افتاد و اقدامات لازم را به جای آورد و در سال ۳۶ ق.م، با یک سپاه ۱۰ هزار نفری جرار، از اقوام مختلف، به تعبیر پلوتارک «حتی هندیان ماورای بلخ را به هراس انداخته و پشت آسیا را به لرزه انداخته بود»، روی سوی شرق نهاد. «قوایی که آنتوان برای جنگ با اشکانیان تجهیز نموده بود، بزرگترین قوایی بود که تا آن تاریخ از طرف یک دشمن خارجی به خاک ایران اعزام میشد، چه بیش از دو ثلث این قوا از لژیونهای منظم و جنگ آزموده رومی، یا از سوارهای رشید گلو و اسپانیولی تشکیل یافته و دارای کاملترین وسایل جنگی بودند.» فرهاد چهارم، به کمان اینکه حمله آنتونیوس از سوی جنوب و از طریق میان رودان صورت خواهد گرفت، در میان رودان موضع گرفته بود. آنتونیوس که برای حمله به آتورپاتکان، عجله داشت، ارتش تحت فرمان خود را که در نزدیکی ارزروم اردو زده بود، به دو بخش تقسیم کرده، خود با بخش اصلی آن از مرز گذشته، از طریق جنوب اگریداغ (آرات) و از راه بابیزید - ماکو و یا از طریق وان، باشقلعه و خوی در خاک آتورپاتکان پیشروی کرد، زمینهای هموار را از زیر سم ستوران خود گذراند. هدف وی تصرف شهر مستحکم فراتا یا فراسپا، تختگاه آتورپاتکان بود که در اواخر سده ۲ ه.ق در محل و یا نزدیکی تخت سلیمان فعلی بنیانگذاری شده و به تدریج وسعت یافته بود. لازم به توضیح است که مینورسکی، در مقالهای که به زبان انگلیسی نوشته و در سال ۱۹۴۴ منتشر شده، بر خلاف اغلب تاریخ پژوهان، این پایتخت زمستانی آتورپاتکان را با مراغه مطابق میداند و مینویسد: نیروها

عنوان نمونه میتوان، امامزاده سیدبهبول، از اولاد امام علی النقی (ع) را ذکر نمود.

بعد از تضعیف خلافت عباسی، گردنکشان هر ناحیه سر به خودسری برداشتند. و بنای عصیان و غیان در گوشه و کنار مملکت اسلامی نهاده و در طلب استقلال برآمدند و به تجاوز به خاک شهرهای همسایه پرداختند و خوی میدان کشمکش، مابین شاهان مسیحی و شهریاران محلی آذربایجان گردید و بارها ارمینیا به خاک خوی، لشکر کشیدند، ولی در تمامی آنها با شکست مواجه شدند و عقب نشینی نمودند. که کسروی در شهریاران گمنام به بعضی از آنها اشاره نموده است. در حکومت سلجوقیان، سرداران محلی به علت تاخت و تاز غزان و سلجوقیان، قدرت خود را از دست داده و هنوز سلجوقیان، کاملاً بر این منطقه مسلط نشده بودند، که تجاوز مسیحیان با حمایت و پشتیبانی امپراتوری روم به این ناحیه شروع شد. و خوی و سلماس را مورد تاخت و تاز خود قرار دادند، این بار مردم این دو شهر شخصاً نیرویی بسیج نموده و با مسیحیان به مقاله پرداختند. طغرل سلجوقی مدت سه روز با مردم خوی جنگید، تا بالاخره بر این شهر حاکمیت پیدا کرد. آلب ارسلان سلجوقی به جانب عراق عرب میرفت. در حدود خوی خبر متواتر شد، که پادشاه روم، رومانوس نام، سیصد هزار مرد شمشیرزن پیاده و سوار فراهم آورده، متوجه بلاد اسلام است...

سلطان بعد از استماع این سخنان عزم بزم رومیان جزم کرده، خواجه نظام الملک را با احمال و اثقال به بعضی از حدود ولایات فرستاد، و به نفس نفیس با پانزده هزار یا دوازده هزار مرد جرار، که در آن زمان در موکب نصرت شعار بودند، به استقبال قیصر روم روان شد.

در منطقه ملازگرد (در کناره دریاچه وان، در سال ۵۴۶۳ق)، سلجوقیان با این سپاه اندک، رومانوس دیو جانوس امپراتور روم شرقی را شکست دادند، و پس از آن آلب ارسلان در جهان اسلام شهرتی زیاد یافت و خوی نیز که وی، از اینجا عزم جنگ امپراتور روم کرده بود، از اعتبار و افتخاری زیاد برخوردار گردید. احتمال دارد، بسیاری از آثار و بناهای تاریخی خوی، از جمله منار، که بعدها به سبب دفن شمس تمبیزی، در پای آن به منار شمس مشهور شد. و جامع خوی مسجدی که در آن نماز جمعه گزارند، که بعد از خرابی، مطلبخان به جای آن مسجدی دیگر ساخت و با همان سبک معماری، یادگار آن زمان باشد. پس از این واقعه در آسیای صغیر (ترکیه امروزی) به جای حکمرانان مسیحی، حکومت‌های اسلامی توسط سلجوقیان تشکیل شد و از این تاریخ به بعد مردم خوی دوباره روی آرامش و راحتی دیدند، تا اینکه حمله و هجوم مغولها به فرماندهی چنگیز به ایران شروع گردید. و پادشاهان محلی ارمنستان در حمایت خانان اولیه مغول که اغلب زن مسیحی داشتند و به مسیحیت متمایل بودند، باز در خوی نفوذ کردند و آثار موجود مسیحی در این شهر از این زمان باقی مانده و از همین عهد به صورت دسته جمعی در خوی سکونت اختیار کردند.

هلاکوخان بودایی مسلک بود، خود در این شهر معبدی بودایی ساخت، که خرابیهای آن در پشت کوههای قلابی هنوز هم هست و زنش به نام دقوز خاتون و پسرش اباقاخان و دخترش مسیحی بودند و به حمایت آنها کلیسای سوپ سرکیس، پایه گذاری گردید، که به قول بعضی منابع و مأخذ محل آن قبلاً معبد بوده است. بعد از اسلام آوردن خانان مغول از جمله، غازانخان، باز هم اسلام در این منطقه نضج قابل توجهی پیدا

تحت فرمان آنتونیوس از طریق آواجیق - که امروزه از شمال و غرب به خاک ترکیه محدود است و بر سر راه ارزوم و خوی قرار دارد و شمال و شرق دریاچه اورمیه به فراتا، رسیدند.

گمان می‌رود که در چنین لشکرکشی عظیم، با تعداد بیشمار لشکریان جرار، مردم دچار چه مصائب بزرگی شده و این منطقه، با چه خرابی مهیبی مواجه گشته است.

بعد از سقوط اشکانیان، و روی کار آمدن ساسانیان، از اینکه خوی هم، شهری مرزی بوده و هم در سر راه جاده ابریشم قرار داشته است، در فراز و نشیب تاریخ، بسیاری بلا از سر گذارنده و اقوام مختلف، که در زمان ضعف حکومت ساسانی، به ویژه پس از کشته شدن فیروز، در جنگ هپتالیها، از موقعیت استفاده کرده و مرزهای ایران را مورد تاخت و تاز خود قرار دادند و بلاش پس از روی کار آمدن، سیاست مداران، در پیش گرفته و سعی در آشتی با شورشیان نموده و پس از مذاکراتی با نمایندگان وی و ناخارها در روستای هزارساک، واقع در حوالی خوی به ارمینیا، خودمختاری داده شد و جنگهای متوالی با دولت روم شرقی که در حدود صد سال طول کشید، و در تمامی این جنگها، خوی به سبب قرار گرفتن در مرز کشور ایران بلاهای متعددی را تحمل نمود. و نیازی که مردم برای وسیله دفاع داشتند، در خوی پدید می‌آمد. اکثر جغرافیدانان اسلامی از برج و باروی مستحکم خوی صحبت میکنند، و مینویسند: (باروئی مستحکم داشت). ولی جالب توجه اینجاست که با این وضعیت از آبادی چشمگیری نیز برخوردار بوده است، چنانکه لسترنج، با توجه به نوشته های آنها، چنین مینویسد: خوی باروئی مستحکم داشت و در میان مزارع حاصلخیز و آباد واقع و به داشتن دیبای خوب معروف بود، تا اینکه مسلمانان در سال بیست هجری، در زمان عمر خلیفه دوم، این ناحیه و قسمتی از آسیای صغیر را به تصرف خود درآوردند و مدت دو قرن آرامش و راحتی در این ناحیه پیدا شده، در بقیه موارد باز خوی به صورت یک شهر سرحدی درآمد. زیرا ایرانیها دین اسلام را پذیرا شدند، ولی مسیحیان در کیش آباء و اجدادی خود باقی ماندن. و نتیجه این شد، که خوی سرحد مسلمانان و مسیحیان گردید. و از نظر استراتژیکی در جنگ و گریزها اهمیت خاصی داشت. بسیاری از سیاحان از جمله گلاویخو، خوی را مرز ایران دانسته و به سبب قرار گرفتن در مرز، دروازه آذربایجان و ایران تلقی میشد، و از لحاظ نظامی، از اهمیت فوقالعادهای برخوردار بود، چنانکه رزمآرا، رئیس ستاد ارتش، در دوره دوم رژیم سابق، خوی را کلید آذربایجان دانسته و مینویسد: «شهر خوی چون مرکز تلاقی کلیه جاده های آذربایجان باختری است، کلید آذربایجان باختری بایستی محسوب شده و مهمترین اهمیت نظامی را در این منطقه حائز خواهد بود.» دروویل نیز، خوی را به سبب داشتن استحکامات نظامی در خور توجه، جزو سه شهر مهم آذربایجان ذکر نموده و مینویسد: «دفاع از این استان، به وسیله سه شهر مستحکم و مهم صورت میگیرد، ایروان، خوی و عباس آباد.» و چند صفحه بعد مینویسد: «در سرتاسر ایران، تنها دو شهر دارای استحکامات به سبک اروائی است و آن دو شهر، خوی و عباسآباد است.» خوی به عنوان شهر سرحدی، مأمونی شد. بر مخالفین خلفای عباسی و احتمال می‌رود، «گورور قلعه سی» قلعه گیر، در دیزج دیز و نام بابکان، بازمانده از قیام بابک بر علیه عباسیان باشد. و بعد از شهادت حضرت امام رضا (ع) توسط مأمون خلیفه عباسی، از طرف وی و جانشین او معتمد، دستور قتل و تعقیب علویان صادر شد و علویان بسیاری به این مناطق مهاجرت نمودند و بعضاً در این سرزمین به شهادت رسیدند. در تاریخ سامراء آمده است: «...هاجر و امن سامراء خوفا منالاعداء و کانوا بشر دین فیالبلاد الی ان وصلو الی نهاوند و خوی فقتلو فی تلکالبلاد.» زیارتگاههای متعددی از همان زمانها در شهر خوی به وجود آمده است، که به

در دولتخانه تبریز ترجیح میدهد و...»

این دولت مسلمان، با امپراتوری مسلمان عثمانی، به سبب عوامل مختلف، با هم رقابت و نزاع داشتند، جنگهای متعدد انجام دادند، که از جمله، جنگ چالدران (۹۲۰ه.ق)، که خوی طعمه هجوم و غارتگریهای عثمانی گردید و جنگهای بعدی که در بعضی از اینها، خوی به طور کامل نابود شد. بعد از این وقایع، نادرشاه افشار ظهور کرد. پس از راندن افغانها، روی به جانب غرب نهاده و ایالات اشغال شده را پس گرفت، به قولی در مناطقی در مرز امروزی ایران و ترکیه و محلی به نام ییلاق نادرشاه معروف است، (بالاتر از ییلاق مشهور حاجیبیگ)، نزدیک به هشت ماه، اردو زد و بعد از شکست اولی به راهنمایی زنی از اهالی روستای چخماق، نیروهای مرخص کرده قبلی خود را جمع آوری نموده و در این جنگ بر لشکر عثمانی مسلط شد. و تبریز نیز در محرم سال ۱۱۴۳ه.ق آزاد شد و عثمانیها خوی را تخلیه کردند. پس از نادر، خوی دست به دست میگشت، تا اینکه در سال ۱۱۷۰ه.ق محمدحسین خان قاجار به آذربایجان لشکر کشید و حکومت خوی و تبریز را به شهباز دوم، خان دنبلی سپرد و به او و بردارش احمدخان کمک کرد تا قلعه خوی را تعمیر کردند و خندق دور آن کنند. در محرم ۱۲۴۰ه.ق سپاه قاجار وارد آذربایجان گردید و خوی تحت سلطه کامل قاجار درآمد و بعد از این تاریخ حکمرانان منصوب از سوی دربار قاجار بر خوی حکم راندند. در سال ۱۲۱۵ جنگ ایران و روسیه آغاز شد و با عهدنامه شوم گلستان در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ه.ق میان ایران و روسیه، جنگ اول تمام شد. ولی این مقدمه دوره دوم جنگها، مابین ایران و کشور مهاجم روسیه گردید. در این جنگ، خوی، مرکز فرماندهی بود و بسیاری از سرداران از اهل خوی بودند، از جمله امیرخان (امیر گونگه خان) سردار و دائی عباس میرزای قاجار، که در سال ۱۲۴۲ در گنجه به شهادت رسید. نایب السلطنه در بهار ۱۲۴۲ه.ق لشکرگاه خود را در چمن باغ، خارج شهر برپا کرد. ولی مقاومت مردم خوی بعد از سقوط تبریز به جایی نرسید. و در ربیع الثانی ۱۲۴۳ پاسکویچ فاتحانه وارد خوی شد. و بعد از قرارداد ترکمانجای و استرداد وجه مصالحه، روسها با اینکه اصرار در ماندن داشتند، ولی در اوایل جمادی الاخری ۱۲۴۴ه.ق شهر خوی را تخلیه نمودند (زنان و دختران و نوعروسها، طلا و جواهرات خود را در قبال غرامات جنگی دادند و این مورد از طرف این مادران قابل ستایش می باشد) و اهالی خوی از شکنجه روحی این رنج و بلا رهایی یافتند. در انقلاب مشروطیت، مردم آزادیخواه خوی همپای انقلابیون تبریز در صحنه حضور داشتند و بسیاری هم در تبریز در دسته ستارخان با استبداد می جنگیدند. بعد از خاتمه جنگ جهانی اول که استعمارگران از جمله روسها تمامی امکانات جنگی خود را در اختیار دانشناکهای ارمنی گذاشته بودند. و شهرهای اورمیه و سلماس سقوط نموده بود، مردم خوی به رهبری رهبران خود، از جمله: شیخ فضل الله خوبی، آقا میریعقوب سیدمقبره، علی آقا میرینجه (آقاسی) و دیگران، بی باکانه در مقابل ارمنیها ایستادند و پیروز شدند. علی احسان پاشا، فرمانده نیروی شرق ترکیه، استقلال آن کشور را مدیون مقاومت متهورانه سه روزه مردم دلاور و مؤمن خوی میدانند. و این موضوع را به طور رسمی در نشست فرماندهان ترکیه اعلام نموده بود.

قایناق: اینترنت

کرد. کلاویخو سیاح معروف اسپانیائی، که به دربار امیر تیمور میرفته، از شهر خوی گذشته و در توصیفی که از این شهر کرده، اینجا را اولین شهر سرحدی مسلماننشین قلمداد نموده است و خوی را چنین توصیف میکند: «این شهر در دشتی قرار دارد که پیرامون آن را بیشه ها و مزارع غله گرفته است و گرداگرد این بیشه ها و مزارع غله نیز چراگاهها و علفزارهای بسیار است، که با جویبارها و نهراهای آبیاری میشود، بر گرد شهر خوی دیوارهای است، از خشت پخته با دروازهها و برجهای بسیار که برای دفاع از شهر ساخته شده است. از این شهر وارد ایران میشویم.»

امیر تیمور، بعد از جنگ بزرگ خود با ایلدریم بایزید (در آنقوره، ۸۴۰ه.ق) که عازم شرق بود، از منطقه خوی عبور میکند و در نزدیکی سلماس اردو میزند و خود همراه با چند نفر از امرای لشکر روانه شهر خوی میگردد. از زیبایی شهر و مردمش و امرود پیغمبری اینجا وصف نموده و خوی را ترکستان ایران خوانده است. در همین زمان در جوار شهر خوی دولتی ارمنی یا مسیحی وجود نداشت و سفرا و سیاحان اروپائی با غرض ورزی هر چه تمامتر، سعی شان بر این است، اسامی را که در این منطقه بود تحریف نمایند و نام ارمنی دهند، چرا که بعد از دولت سلجوقیان آسیای صغیر، امپراتوری عثمانی مسلمان بر آسیای صغیر مسلط شده بود (۶۹۹ه.ق)، در حالیکه سفر کلاویخو، در سال ۸۰۶ه.ق ۱۴۰۳م شروع شده است.

به هر حال، بعد از رفتن تیمور، مدتی را میرانشاه، حکمران آذربایجان شده و در پیرکندی خوی دچار سانحه میگردد. و سپس ترکهای قرا قویونلو و آق قویونلو بر آذربایجان مسلط میگردد، ولی از آنجائیکه این دو قوم، چادرنشین بودند، چندان به عمران و آبادی شهرها توجه نمینمودند، با اینکه شهر خوی پایتخت تابستانی آنها به شمار میرفت و حتی سلطان جهانشاه قرا قویونلو (متولد خوی ۸۳۹ه.ق) که خود شاعری متبحر بود، با روحی لطیف و «حقیقی» تخلص میکرد و به سبب تولدش در این شهر توجه زیادی به اینجا داشت و خوی پایتخت تابستانیش به شمار میرفت و هیچگونه آثاری از وی در این خطه سراغ نداریم.

حدود دو قرن بود که دولت عثمانی در غرب خوی، تشکیل شده بود و شاهان اروپا و مسیحیان آسیای صغیر، به دنبال متحدی بودند که جلوی سقوط قسطنطنینه را بگیرند. ولی آن شهر بزرگ در سال ۸۵۷ه.ق، ۱۴۵۳م به دست سلطان محمد فاتح فتح شد و کلیسایهایش مبدل به مسجد گردید. درست پنجاه سال بعد (۹۰۷ه.ق) در شرق خوی حکومت صفویه تشکیل گردید و خوی به سبب اهمیت سوق الجیشی کم نظیر و زیبایی و طراوت خاص و استحکامات بیمانند و مردم مؤمنش، نظر شاه اسماعیل اول را جلب نمود، که بعد از تبریز پایتخت دوم وی شد و به دستور شاه اسماعیل در این شهر کاخی بزرگ ساختند (کاخ شاهی)، که اولیای چلبی و آنجوللو، در سفرنامه های خود، به وصف آن پرداخته اند و شاه اسماعیل به سبب عشق بیحدش به عرفان و تصرف مدتی را در کنار آرامگاه شمس تبریز در کاخش میغوند و زیستن در این شهر را به بودن در تبریز ترجیح میداد.

سوداگر گمنان و نیزی، که در هشتمین سال سلطنت شاه اسماعیل، از راحلب و دیار بکر، به تبریز آمده و حدود جغرافیائی، ویژگیها و جمعیت بسیار از شهرها را، در سفرنامه اش ضبط کرده است. از نوشته های این سوداگر معلوم میشود که خوی در عهد شاه اسماعیل، بسیار آباد، پرجمعیت و مهم بوده است. به پیروی از سنتیکهن، گردآوری و سان سپاه در دشت زیبای خوی صورت میگرفته است. یکی از بناهای جالب و نوین خوی عمارت دولتخانه یا کاخ شاهی بوده است. سوداگر مزبور دولتخانه خوی را کاخ یک اشکوبهای با تالارها و اتاقهای به غایت با شکوه مزین به پیکرها و نقاشیهای بسیار نفیس توصیف میکند. تقریباً جمله اولیا چلبی را تکرار کرده و میگوید: «شاه اسماعیل زندگی در این کاخ را بر ماندن

ریشه شناسی واژه خوی

شهر خوی یکی از شهرهای استان آذربایجان غربی و مرکز شهرستانی به همین نام است. شهر خوی را به علت استقرار در محلی پست "خوی چوخورو" نیز می نامند. شهرستان خوی در دشتی وسیع واقع شده و از شمال به شهرستان ماکو و از جنوب بشهرستان سلماس و از خاور به شهرستان مرند و از باختر با کشور ترکیه همسایه و هم مرز می باشد. خوی که امروزه مهمترین شهر استان آذربایجان غربی بعد از اورمیه می باشد از اهمیت نظامی و تجاری ویژه ای برخوردار بوده و دارای آثار تاریخی متعددی است. خوی در قرن سیزدهم به علت زیبایی شهر و وجود باغات سبز و روح افزا و کثرت مناظر دلبریا و چمنها به لقب دارالصفاء و بعد از آن به دارالمؤمنین مشهور بوده است. شهر خوی از قدیمترین و یکی از اولین شهرهای ترکی شده آذربایجان است و بدین سبب در متون تاریخی سلجوقی بنام ترکستان ایران نامیده شده است. "حمدالله مستوفی" در نزهت القلوب در باره خوی میگوید: "مردمش سفید چهره و ختای نژاد و خوب صورتند و بدین سبب خوی را ترکستان ایران خوانند". این شهر از زمان قدیم مورد توجه بوده است. پیش از اسلام شعبه ای از بزرگراه معروف ابریشم که شهرهای آباد و پر نعمت ترکستان و چین در شرق را به غرب و به اروپا متصل می نمود، از این شهر آذربایجانی می گذشته است. در صدر اسلام نیز راهی که بلاد جزیره العرب را به مرکز آذربایجان و ماورای خزر وصل می کرد، از خوی می گذشت. خوی علاوه بر آذربایجان در تاریخ ترکیه، جهان تورک و مذهب ترکی علوی قزلباشی نیز از اهمیت استثنائی برخوردار است. بسیاری از جریانهای فکری و فرهنگی تاریخی که مهر خود را در شکل گیری هویت ملی خلق ترک در ترکیه زده اند بلاواسطه با نام شهر خوی آذربایجان پیوسته اند. این شهر پایگاه ارتشهای ترکی برای تهاجم به بیزانس و فتح آسیای صغیر توسط ترکان بوده است. "آلب ارسلان" در سال ۱۰۷۱ خوی را مرکز تجمع سپاهیان ترک برای حمله به بیزانس-روم (ترکیه امروزی) قرار داده بود. "آبدال موسا" مؤسس طریقت بکتاشی و "اخی انوره-ن" بانی جریان اخوت در آسیای صغیر هر دو از شهر آذربایجان خوی برخاسته اند. "پیر سولطان آبدال" شاعر و قهرمان خلقی-ملی ترکیه اصلا، و "جهانشاه قارا قویونلو" شاه زندیق-شاعر علوی قرن ۱۵ نیز به روایتی اهل خوی است. مزار "شمس تبریز" بنا به بروایتی در خوی آذربایجان (و بنا بر روایات دیگری در شهر قونیه ترکیه) قرار دارد. زمره "جاولاقلار" از قزلباشان بلاواسطه با خوی در ارتباط است. جاولاقلیک از نخستین تشکیلات قلندریه بوده و در قرن ۱۳ در خوی آذربایجان ایجاد شده است. در تاریخ لکسیوگرافی ترکی آذربایجانی، اولین لغت منظوم بدین زبان بنام تحفه حسام توسط "حسام خویی" نگاشته شده است.

ریشه شناسی:

کسانی که دنبال ریشه شناسی نام خوی با استفاده از زبانهای هند و ایرانی بوده اند ادعا می کنند که معنی واژه "خوی" و ریشه این نام روشن نیست. این بسیار طبیعی است، زیرا ریشه شناسی این نام و وجه تسمیه آن می باید بر اساس زبانها اورال-آلتائیک و در راس آنها ترکی و در ارتباط با زبانهای التصاقی باستانی مطرح در منطقه و در راس آنها زبان پروتورک سومری انجام پذیرد. بر این اساس، نام شهر خوی، کلمه ای ترکی است. در زیر به برخی از نظریه های گوناگونی که در ریشه شناسی این نام ترکی مطرح شده اند اشاره می گردد:

۱- کلمه "خوی" فرم باستانی کلمه "قوی Qoy, Quy" در ترکی قدیم است که مفهوم "چوخور" (سرزمین پست) را می رساند. در دیوان لغات ترک، "قوی" به معنی دره، بستر و بخش مسطح دره، وادی بزرگ و گود بین دو کوه و ته آمده است. هم ریشه با کلمات "قویتو Quytu" و "قویاق Qoyaq".

قویاق Qoyak: به معنی وادی بزرگ و گود بین دو کوه، گودی طبیعی ایجاد شده بین کوهها و صخره ها، گودی طولی که در دشتها توسط برکه های آب

ایجاد می شود است.

قویتو Quytu: رد کلمه باستانی ترکی "خوی-قوی" را در واژه "قویتو Qoytu - Quytu" که مرکب از کلمه "قوی" به علاوه پسوند "-تو" می باشد نیز می توان مشاهده نمود. در لغتنامه ائتیمولوژیک ترکی در مقابل کلمه قویتو Kuytu گفته می شود: "چوخور یئر çukur yer. گونه ش آلمایان یئر، کؤلگه (ترجمه: جای پست، محلی که آفتاب نمی گیرد، سایه). کلمه کویتو Kuytu در ترکی عثمانی و ترکی مدرن ترکیه به معنی جای خلوت، محلی دور از چشم، محافظه شده از باد، است. ظاهرا این کلمه با واژه "قویتو" مغولی به معنی پشت، عقب، شمال و واژه "کوز Küz" ترکی به معنی محلی که آفتاب نمی گیرد در ارتباط است. پسوند -تی، -تو، پسوند اسم ساز از اسم بوده و در ترکی آناتولیائی قدیم به شکل -دو موجود است (ائلتی Elti، قویتو Koytu، تورتو Tortu، اکتی Ekti، پیرتی Pirtı، پینتی Pinti). این پسوند تصغیر و تخفیف در ترکیب با واژگان تقلیدی که به -یر، -ور، -یل، -ول و ... ختم می شوند بسیار فعال است: فیسلیتی، زونقولتو، فیشیرتی، اینیلتی (ترکی آناتولیائی قدیم).

۲- نام شهر خوی از کلمه "خوی Xuy"، "قوی Quy" که در ترکی باستان بسیار رایج بوده و به معنی نقطه و مکان تجرید شده می باشد گرفته شده است. کلاوسن در لغتنامه ریشه شناسی ترکی پیش از قرن ۱۳ میلادی، این کلمه ترکی را مشتق از واژه چینی Kuei که در آغاز به معنی اقامتگاه زنان، بخش خصوصی یک مسکن بوده دانسته است. وی کلمه "کویتو Kuytu" به معنی جای خلوت و محافظه شده از باد در ترکی عثمانی و ترکی مدرن ترکیه را نیز مشتق از این کلمه می شمارد. کلمه "خوی-قوی" امروز نیز در بسیاری از زبانهای ترکی شمال شرقی به شکل "کوی Kuy" و به معنی غار و در ترکی خاقاسی به شکل "خوی Xuy" بکار می رود. در ترکی خاقانی، "کوی" به معنی انتهای یک دره است (کاشغری): "ناغیغ آتیپ اوغراسا، اوزو کویی ییرتیلور Tağığ Atıp Uğrasa Özü Kuyı Yırtılır" (هنگامی که به کوهی تیر بیندازد، مرکز و دره هایش پاره می شوند).

۳- در ترکی باستان دو کلمه به شکل "قوی Qoy" به معنی محل پائین آوردن و گذاشتن (هر چیز) و "قویو Qoyu" به معنی پائین گزارده شده، واقع شده در پائین وجود دارد. ظاهرا این کلمات از ریشه مصدر "قویماق Qoymaq" به معنی گذاشتن، پائین گذاشتن، پائین آوردن می باشند. کلمه "قویو Qoyu" را در ترکیب "اوزو قویولو Üzü Qoyulu" به معنی شخص دراز کشیده رو به پائین (بر روی شکم) نیز می توان مشاهده کرد. زبانشناسان این کلمات را هم ریشه با "قویون Qoyun" به معنی آغوش، "قودغورماق Qodğurmaq" به معنی به پائین چیزی رفتن و "قویروق Quyruc" به معنی دم، بن (مرتبط با قودورغا Kudurğa مغولی، کفل اسب) دانسته اند.

۴- در زبان ترکی کلمه مشابه دیگری به شکل "قویو Quyu" و به معنی چاه، گودی عمیق کنده در خاک وجود دارد. این کلمه اصلا از مصدر "قودماق-قویماق" به معنی آبی که بیرون می ریزد است. فرمهای گوناگون آن در زبانهای تورکی: قویی، قودوق، قودوغ، قویوق، قویوغ، قودوق، قوداغ،... هم ریشه با "Kut" مجاری به معنی چاه، قوددوغ Qudduğ، قودوق Qudug، خودوق Xudug، خوداق Xudaq در زبانهای مختلف مغولی به معنی چاه و گودال آب، و قوتوغور Qotuğur به معنی گودی و گودال (احتمالا نام منطقه سرحدی "قوتور"

جیلوولوق فاجیعه سی و آندرانیکین خویا یوروشو

یاخین ۹۰ ایل اؤنجه گونئی آذربایجانین باتی بؤلگه سی جیلوو آدلی بیر قانلی فاجعه نین تانیغی اولدو. بو فاجیعه ده نچه اثرمنی و آسوری طایفاسیندان اولوشان جیلوولار ایران مرکزی حاکیمیتی ضعیف لنمه سیندن فایدالاناراق آوروپالی دؤولت لرین یاردیمی ایله گونئی آذربایجانین باتی بؤلگه سینده بؤیوک بیر جینایته ال آتدیلار. اینسانلیق دوغولارینا دوشمان اولان بو جیلوولار اورمو و سالماس دا مین لرحه سیلاح سیز سویداشیمیزی وحشی جه سینه سوی قیریم ائتمک له "خیرستیان" آدلی بیر مالیاخولیبی دؤولتین گرچک لشدیرمه سینه جان آتیردیلار. اما آذربایجان تورک لری نین دیره نیشی و تورک - عوئمانلی اوردوسونون یاردیمی ایله بئله بیر توطئه نین گرچک لشمه سی یانلیز تاریخه تاپشیریلدی. آلتدکی یازیدا جیلوولوق فاجیعه سینده اؤنملی حادثه لردن ساییلان آندرانیک آدلی بیر اثرمنی باشچی سی نین خویا یوروشو و او یوروشده خویولولارین جسارتله دیره نیشین آنلاماغا چالیشاجاییق.

۱۹۱۸ - جی ایل زاقافقاز ییادا اوز وئره ن حادثه لرله دولایی "اثرمنیستان رئسپوبلیکاسی" آدلی بیر دؤولت یاراناراق بو دؤولته منسوب آندرانیک آدلی بیر افسر یاخین ۸۰۰۰ مجهز نظامی نیرو ایله خویا ساری یولا دوشدو. بو خبر عثمانلی قرارگاهی ساریندان خویولولارا اعلان ائدیلن زامان اوچ گون ایدی عوئمانلی اوردوسونون سالماس دا ظفرلری اوزره خوی دا شنلیک کئچیریلیدی. ۳۱ - خورداد شنبه گنجه سی عوئمانلی اوردوسونون یوسوف ضیاء آدلی بیر قوماندانی خویولولارا بئله سسلندی: "بو گونلر تهلوقه لی گونلریمیزدیر، اثرمنی و اینگیلیس اوردولاری زنجانا دک ایره لی له ییب لر ، ۸۰۰۰ اثرمنی جولفا یولو ایله خویا گلیمک ده دیر، شهرین بوتون اهالیسی سیلاح لانیب عوئمانلی اوردوسو خویا چاتانا دک دیره نمه لی ییک. " یوسوف ضیاءنین بو نوطقونون سونرا خویولولار شهری ساوورماق اوچون حاضیرلانماغا باشلادیلار. شهر قورخویا بله نه رک اولور ایله کوچه لر قورخولو اوزلرله دولمشدو. جیلوولارین اورمو ایله سالماس داکی جینایت لری نین خبری چوخدان خویا چاتمیش ایدی. شهرده تالان ایله اولوم قورخوسو حؤکم سوروردو. گنجه چاغی شهرین آغ ساققال لاری بیر چؤزوم یولو تاپماق اوچون قاری مسجیدینه توپلاندی لار. بو توپلانتی دا حرارتلی دانیشیق لار اوز وئردی. بیر سیرا دئییردیلر: "بوساواش بیزیم ساواش دیبل ، دونیالیق بیر ساواش دیر. اینگیلیس ایله عوئمانلی آراسیندا بیر ساواش دیر. ایران دؤولتی ده طرف سیزلیک اعلان ائدیپ دیر. بو اوزده ن جیلوولارین بیز لر ایله نه ایشی؟ هله اونلار گوجلودورلر، بیز اونلارین قارشیسینا چیخیب دیره نسک سه تالان اولوب یئرسیزجه سینه قادین ایله اوشاقلاریمیزی اؤلومه وئره جه ییک! ایندی مصلحت بودور ایسیقبالارینا گئتمک له اونلارلا خوش اوزله داوراناق."

بیر سیرا دا دئییردیلر کی: "بیزیم دونیالیق ساواش ایله نه ایشیمیز؟ بیر سیلاحلی گوج بیزیم ائویمیزه سوخولماق ایسته ییر. اورمودا گورمه دینیزمی صلح سئور سیلاح سیز اینسان لارین باشینا نه ایون لار گتدی لر؟ بیز محبت ایله ایستیقبالارینا گئدرسک سه ده قادین و اوشاقلاریمیزا رحم ائتمه ییب هامیسینی قتل عام ائده جک لر." شهرین او زمانکی دوروموندا باریش ایله صلحون یئری یوخ ایدی، اورمو و سالماس دا اوز وئره ن اولای لار آرتیق اثرمنی لرین گرچک اوزون اوزه چیخارتاراق اوره ک لری نیفرت ایله مایالاندیرمیش ایدی. سون زامان لاردا اثرمنی لرین

در شهرستان خوی مرتبط با این کلمه است).

۷- ادعا شده است که "در زبان سومری که از سوی برخی از صاحب نظران زبانی پروتوتورک محسوب می شود واژه ای مشابه "خوی" وجود دارد که به معنی سرزمین و دشت کم ارتفاع و پست است. اقوام سومری از آسیای میانه (ترکستان) با گذر از سرزمین آذربایجان به منطقه بین النهرین رفته اند و در طول این مهاجرت، سالها در آذربایجان رحل اقامت افکنده اند و گروههایی از آنها نیز برای همیشه در آذربایجان ماندگار شده اند. با توجه به این واقعیت که منطقه تمدن خیز "آراتا" ذکر شده در کتیبه های سومری عموماً با منطقه خوی و کلا غرب آذربایجان و شرق آناتولی منطبق می شود، احتمال اینکه نام "خوی" یک کلمه سومری به معنی سرزمین و دشت کم ارتفاع و پست باشد زیاد است." با اینهمه در لغتنامه های سومری بررسی شده از سوی اینجانب، به همچو کلمه ای برخورد نشد.

وجه تسمیه:

در وجه تسمیه خوی که از قرن ششم میلادی و به همین شکل فعلی در سفرنامه ها بمیان آمده، می بایست به دو مساله کلیدی یعنی نامگذاری مردمی "خوی چوخورو" و شرایط طبیعی آن بویژه محصور شدن آن توسط کوههای پیرامونی توجه نمود:

۱- خوی کلمه ای ترکی به معنی وادی پست است. این با صفتی که مردم برای نامیدن این منطقه به کار می برند همخوانی کامل دارد. خوبی ها شهر خود را "خوی چوخورو" Xoy çuxuru می نامند و معنی آن دشتی است که از مناطق همجوار پایین تر است. شهر خوی در سرزمین نسبتاً پستی قرار گرفته است، ارتفاع متوسط جلگه ای که خوی در آن واقع شده در حدود ۱۱۰۰ متر می باشد که از همه جلگه های مجاور حتی از دریاچه اورمیه نیز پستتر است. پستی جلگه مزبور و دور بودن آن از دریاها بزرگ سبب تغییرات ناگهانی در هوای آن می گردد. مقدار باران شهرستان خوی نسبت بسایر نقاط آذربایجان بعد از اورمیه در درجه دوم قرار گرفته و هوای شهرستان خوی اغلب مه آلود می باشد. (هوای قسمتهای کوهستانی و مرزی شهرستان خوی سردسیری و قسمتهای داخلی و جلگه ای آن معتدل و مالاریایی است).

۲- خوی کلمه ای ترکی به معنی مکان جدا و محل حفاظت شده از باد است و این با طبیعت آن یعنی کوههایی که حصاروار این شهرستان را فراگرفته اند همخوانی کامل دارد. کوههای مهم شهرستان خوی که بخت مستقیم در امتداد قله باشکوه و پربرف آغری داغ (آارات) قرار دارند عبارت است از قله آدرین، کوههای مرزی قطور بنام سلطان سورا، قوچ داغ، کهیر، هران و کوه چله خانه. وجود کوههای حصار مانند فوق مانع نفوذ بادهای سرد زمستانی است و بالتیجه هوای شهر خوی نسبت به بعضی از شهرستانهای آذربایجان چون تبریز و اورمیه در تابستان گرمتر و در زمستان معتدل تر است. یکی از علل بارانی بودن شهرستان خوی، وجود کوههای بلند مذکور است که در مقابل بادهای رطوبی قرار گرفته و با سرد کردن هوای مجاور و تمرکز بخار آب، شرایط اشباع شدن را فراهم می سازند.

نتیجه

خوی نام شهر و شهرستانی در آذربایجان است. این نام بسیار قدیمی از ریشه قوی Qoy, Quy به معنی وادی پست و یا قوی Quy به معنی منطقه تجرید شده و به احتمال کمتری از ریشه قوی Qoy به معنی در پائین واقع شده می باشد.

مهران بهاری

سیمیتقونون خویداکی جینایت لری

جیلوولارین عصیانی سونا چاتاندان سونرا عثمانلی اوردوسو باتی آذربایجان توپراقلارینی ترک ائتدی. تورک - عثمانلی لارین بو توپراقلاردان چیخماسی ایله یاناشی باتی آذربایجان یئنی بیر قانلی اولایین تانیغی اولدو. بو کتیز بو اولای ائرنی لر ساریندان یوخ بل بو توپراقلاردا دوز یئیب دوزدان سیندیران کوردلر وریندن اوز وئردی. تاریخ بو یو دؤولت سیز یاشایب یابانچی لارا قول اولراق همشه عصیان حالیندا اولان کوردلر بو دفعه اسماعیل سیمیتقونون باشچیلیغی ایله اینگیلیس دؤولتی نین حیمایتی آلتیندا باتی آذربایجان بؤلگه سی اؤزه لیکله اورمو و سالماس شهرلینده هئچ بیر زامان اونودولمایان وحشی جه سینه جینایت لره ال آتیب تورک - آذربایجانلی لاری قالدین ایله قوجا دئمه دن اؤز قانلارینا بلشدیریلر. بو ارادا خوی شهری ده بو جینایت لردن مصون قالمادی آنجاق شهرین اؤزه ل دورومو و خویلولارین دیره نیشی اوچون سالماس یاخود اورمویا تای قانلی آنلارین دا تانیغی اولمادی. آما یئرینده ایسه اسماعیل سیمیتقونون جینایت لریندن ده ایراق قالمادی. ایسماعیل سیمیتقو شکاک ائلی نین بؤیگو تاریخین رحیم سیز جانی لریندن سایلاراق اؤز جینایت لرین ۱۲۹۷-ینجی ایلین قیشیندا عثمانلی لارین گئتمه سی آردیندان باشلادی. یاخین دؤرد ایل سوره ن بو جینایت لر باتی آذربایجانین قانلی تاریخینه یئنی بیر قانلی صحیفه لر آرتیردی.

۱۲۹۸ - ینجی ایل اردادیهشت آییندا سیمیتقونون سالماس و خوی آراسیندا یئرله شن کندلر اؤزه لیکله قاراتپه گدیگینده بیر تیجیلیق خبری خویا چاتاراق بیر سیرا خویلولاردان تبریز و تهران تلگراف گؤنده ریب بو مسئله یه اعتراض ائتدی. لرادیهشتین آخیر گونونده سیمیتقونون عسگرلری سالماس ایله خوی آراسیندا یئرله شن ۱۲ کندی غارت ائتدی. لربو مسئله نین آردیجا خویلولار سیلاح لانیب شهری ساوروماق اوچون حاضرلاندیلر.

خوردادین ۸-ینجی گونو صبح چاغیندا سیمیتقونون آتلی لاری خویون گونئیینده یئرله شن غضنفر داغلارین آلیب کندلری حه شه ریده دک تالان ائتدی. لربو خبر خویا چاتاراق شهردن مسلح آتلی لار گونیه ساری یولا دوشوب سیمیتقو آتلی لاری ایله ساعات دؤرده دک دؤیوشه رک یاغی لری گئری اوتورمایا مجبور ائتدی. لربو دؤیوشده ۵ نفر قاراشاوان کندیندن شهید اولدو.

خوردادین اونوندا سیمیتقونون یاخین دوستو و سونرالار سیمیتقو ساریندان اورمویا والی گندن تیمور آقا آدلی بیر شخص دن خویلولارا بو مضمون دا بیر مکتوب گلدی: "ایسماعیل آقا سیمیتقو منی خویا کلمه یه مامور ائدیپ دیر. بورایا دک سیزه اوچ دفعه مکتوب گؤندرمیشم آنجاق هله بیر یانیت گلمه ییب دیر. یا اونلاری تحویل وئرین یا دا ایذن وئرین اؤزوموز گلیب اونلاری مجازات ائده ک."

بو زمانلار مکرم الملک آدلی بیر کس تبریزه حؤکمرانلیق ائدیردی. بو شخص ایسماعیل سیمیتقونو اؤلدورمک نیتی ایله پست ایداره واسیطه سی ایله سیمیتقویا بیر بمبا گؤنده ریر. بو بمبا ایسماعیل سیمیتقونون قرارگاهیندا پارتلایاراق نئچه نفر اؤزه لیکله سیمیتقونون علی آقا آدلی بیر قارداشی دا اؤلدورولور. بو اولایین آردیجا سیمیتقو اینتیقام آلماق بهانه سی ایله اؤز غارت لرین باشلاییر. ایلک اؤنجه بو بمبا خویدان پست ایداره سینه وئریلمه سی اوچون ظن لر جهانگیر میرزا آدلی بیر وطن پرور شخصه گئدیر.

ارزینجان ایله تراپزونداکی جینایت لری ده شهرده دلیل به دلیل گزیردی. دوشنبه تیر آبی نین اوچونده ائرنی لرین اوردوسو شهرین اطرافیندا گؤرونه رک ناهارا ده ک اؤزلرین خویو احاطه ائده ن دووارلارین یاخینلیغینا یئتیریب شهرین یاریسین محاصره ائتدی. لر. شهرین اهالیسی هر صینفدن قادین ، کیشی اولماقلارینا باخمایاراق ، وارلی فهله نین یانیندا سیلاح اله آلیب شهری ساوروماق اوچون حاضرلانیمش ایدیلر. بیرینجی قورشون آچیلیب بیرینجی شهیدلرین یئره دوشمه سی ایله قورخو آردان قالخیب ساواش باشلاناواق توپراق سئورلیک آنلام تاپدی.

او گون شهرده ساواشان ایگیدلردن بو آدلار خاطیره لرده دیر: شیخ فضل الله حجت الاسلام ، آقا ایبراهیم ، حسنعلی خان میرپنجه ، حاج محمدرضا پارسا ، حاج حسین ماکویی (فتیحی) ، میرزا محمود خان و جهانگیر میرزا.

ساواش ائناسیندا فتحعلی شاه زامانیندان یادگار قالیب ایشدن دوشموش و یانلیز رمضانلیق دا ایفطار زامانی نین اعلام ائتمه گینه یاران گولله سیز بیر توپ برج لارین بیرسی نین اوستونه چکلیب ایچینه گولله یئرینه زنجیر دولدورماقلا ائرنی لرین ته زه کندیندن آتش آچان توپلاری نین بیرسی ایشدن سالیندی. آما یئنه ده ائرنی لرین توپلاری شهری ویرانلیغا دوغرو آپاریدیلر. اوشهید اولانلارین سای ۱۵ نفره قالخیمیش ایدی. چوخلاری نین باشین ائله همن توپلار آپارمیش ایدی.

خویلولارین دیره نیشی اوچون ائرنی لر شهره گیره بیلمه ییردیلر. بو اوزده ن چالیشدیلر بو ایشی مکارلیقلا یئرینه یئتیرسینلر. بئله کی ایکی ائرنی، عثمانلی عسگرلرین پالتارلارین گئیینه رک شووه نه دروازاسینا یاخینلاشیب اؤزلرین تورک - عثمانلی تانیتدیرماقلا دروازانین آچیلماسین ایسته دیلر. اؤنجه دروازانین قوروقچولاری سئویندیلر آنجاق دروازالاری آچماقدا احتیاط ائتدیلر و مشهدی خلیل آدلی بیر کس دروازالاری آچمادان اؤنجه بیر ایپ ایله دوواردان ائنیب اونلارلا گؤروشنده حبله لرین آنلایاراق ائرنی لرین ایکیسینی ده اؤلدوردو.

بو ساواش دا شهرده اولان عثمانلی اوردوسونون تورک عسگرلری ده یارالی اولدوقلارینا باخمایاراق ایشتیراک ائتمیش ایدی. لربو عسگرلر شهرین قوروقچولار سوروملوسونا پیام گؤنده ره رک ساواشماق ایسته میش ایدیلر. شهرین قوروقچولاری دا بو یارالی عسگرلری دووارلاردان یوخاری آپاراراق برج لارین نئجه سینده اوزاندیریب سیلاح اللرینه وئرمک له ساواش دا ایشتیراک ائتمک ایمکان لارین یاراتمیش ایدیلر.

آخشام چاغینا دک ساواش آردی کسيلمه دن سوردو آنجاق گون باتانا یاخین قوروقچولارین بیر گوننی طرفی ایزلی یه رک داغلارین آرخاسیندا آل توستو گؤرمک له عثمانلی اوردوسونون یئتیشمه خبرین وئردی. بو خبر یئنی بیر قان کیمی شهرین دامارلاریندا آخد. آرتیق تورک - عثمانلی اوردوسونون توپلاری نین سسی دویولوردو. عثمانلی اوردوسو ایله ائرنی لر آراسیندا جیددی بیر چاتیشما اوز وئره رک عثمانلی لارین رشادت غاصیب ائرنی لری قاچماغا مجبور ائتدی. شهر سئوینجله تورک - عثمانلی لارین ظفیری و ائرنی لرین دارماداغین اولماغین سئیر ائدیردی.

گنجه چاغی شهر خیلاص اولوب اؤز تورک سویداش لارین باغرینا باسمیش ایدی.

باتی آذربایجان میلی مودافیعه کمیته سی نین خوی قولو

اندندن سونرا قادین ایله اوشاقلارین اسیر آپاردی. سونرا ۴۰۰۰ آتلی ایله قره قیشلاغی محاصره ائتدی. بیر گون ساواش سورودو آنجاق سیمیتقونون اوردوسو اوستون گله بیلمه دیگی اوچون گنجه یاریسی توپ واسیطه سی ایله قره قیشلاغی احاطه ائنده ن دوواری ییخیب شهره گیردیلر. سیمیتقونون بو یوروشنده ۲۰۰۰ نفر اهالی دن شهید اولدو و ۵۰۰ نفر دیری قالیب قاچانلاری دا هاوانین سوپوقلوغوندا یولدا قالیب جان وئردیلر. لکیستان فاجیعه سی نین خبری خویا چاتاراق اهالی تهران ایله تبریزه تلگراف گؤنده ریب یاردیم ایسته دیلر. بو ایسته گین قبالیندا اؤنجه مازور میر حسین خان ۱۰۰۰ نفر عسگر ایله شرفخانایا ساری یولا دوشدو. سونرا تبریزین قازاق لاری خویا گؤنده ریلدی. خدادخان سیف السلطنه خویلولاری بسیج ائتمه سوروملوسو اولدو. نیرولار هر یؤندن تئزلیکله خویا چاتدی لار. ۵۰۰ نفر مسلح آتلی یئکانات دان گلدی. میرزا نور الله خان یئکانی ده بیر عده سیلح داشی ایله بیرگه تبریزدن خویا ساری یولا دوشدو. خویون بوتون اهالی سی سیلح لانیب گله جک گونلری گؤزله ییردی. بوتون نیرولارین بسیج ائدیلمه سیندن سونرا ۱۲۹۸-ینجی ایل دی آیی نین ۲۰-سینده ۳۰۰۰ نفرلیک بیر اوردو سالماسا عزیمت ائتدی. بهمینین ۵-ینده سالماسین مرکزینده یئرله شن دیلمقان دا کوردلر ایله آغیر بیر ساواش اوز وئردی. بو ساواش دا ۳۰۰ نفر دؤولتی لردن شهید اولدو آنجاق کوردلره غالب گلیب سالماسی آزاد ائتدی لر. کهنه شهرین دؤولتی لرین یینه دوشمه سی ایله یاناشی سیمیتقو چهریقه قاچدی. آما یئنه ده ساواش سوروله رک چهریق ده محاصره اولوندو. سیمیتقونون ایشی بیتیریلیمک اوزره ایدی کی عسگرلره یوخاریدان بیر فرمان گله رک ایره لی له مک هابئله چهریقین محاصره سینه سون قوبولدو.

۱۹-یفند خویون کوچه لرینده سیمیتقونون عفو اعلانی یاپیشدیریلیمیش ایدی. سونرالار بللی اولدو بو عفو آذربایجانین او زمانکی شوونیست والی سی عین الدوله ساریندان وئریلیب دیر. بو عفودن سونرا سیمیتقو نچمه مدت تالان لارینا سون قوبودو آنجاق خفادا یئنه ده اؤز شوم نیت لرین اؤنه چیخارتماق اوچون نیظامی جهت دن گوجله نیردی.

۱۲۹۹-اونجو ایلین قیشیندا ارشدالمالک سیمیتقونون یانینا گئدیب یئنی دن سیمیتقونو عصیانا چاغیردی. سیمیتقودا زمانی مغتنم بیلیب بیرداها تالان ایله جینایتیه ال آتدی. سیمیتقونون یئنی دن جینایت لری باشلانان زامان نوموخان ایلخانی آدیندا بیر کس خوی دا حؤکمرانلیق ائدیردی. سیمیتقو خویا تلگراف گؤنده ریب بو شخصین خویدان چیخاریلیماسین ایسته دی. تلگراف خانانین رئیسی بو پیغامی خویلولارا اعلان ائتمه ییب ماکی سرداری نین واسیطه سی ایله آذربایجانین والی سی مخبرالسلطنه یه اطلاع وئردی. مخبرالسلطنه ده بئله یانیتلادی: "اورانین حؤکمرانلیغی سیزه وئریلیب دیر. نچمه بیر کوردون الیندن گله بیلیمه ییرسینیز؟ قدر نیرو گرهرکیسه قوللوقونوزدا قویولاجاق." سرداردا بو یانیتا آرخالاناراق خویلولارا بئله سسلندی: "راحت اولون. سیمیتقونون جاوابی من ایله، تئزلیکله یئترینجه نیرو گؤنده ره جه ییم."

دی آیی نین اوللرینده بیر سیرا عسگر ماکی دان خویا یئتیردی. خویون عسگرلر ایله عادی کوتله دن سیلح لانان لاری خوی ایله سالماس آراسیندا کندلرده یئرلشدیلر. تبریزدن ده ۳۰۰ قازاق ایله ژاندارم خویا چاتدی. ۱۳۰۰-ینجی ایل فروردین آییندا شکرپازی ده سیمیتقو ایله اوچ گنجه- گوندوز آغیر بیر چاتیشما اوز وئردی. بو چاتیشمادا ماکی دان گلن نیرولار یاردیم ائتمه ییب سیمیتقو غالب گله رک دؤولتی عسگرلر دیزج دیزه ده ک گئری چکیلدیلر. خوی نیرولارین باش قوماندانی خدادخان سیف السلطنه

جهانگیر میرزا اولو بیر اینسان و خویلولارین سئودگی بیر سی ایدی. بو شخص مشروطه زامانیندا آزادلیق یولوندا مواهید اولوب ایستیدادا قارشی دؤیوشموش ایدی. سونرالار ۱۲۹۱-ینجی ایل مشیرالدوله پیرناین وزارت زامانی خویون کولتوره ل نماینده سی سئچیله رک خوی دا مدرن کولتورون بینؤوره له رین قویانلاردان اولوب ایلك مدرن مدرسه لرین تیکدیریلمه سی بو شخصین آدی ایله باغلی دیر. اؤرنک اولاراق امیر کوچه سینده سیروس مدرسه سی نی جهانگیرمیرزا تیکدیریب دیر. سیمیتقودا بئله بیر اینسانین خوی دا اولماسین اؤز شوم نیت لرینه قارشی بیله رک یانلیز بیر عده مرتجعین شایعه و ظن لرینه دایاناراق جهانگیر میرزانی اؤلدورمک قرارینا گلدی. بو اوزده ن سیمیتقو جهانگیرمیرزا ایله بیرلیکده خویون آتلی لارباشچی سی و کئچن زامانلاردا کوردلر ایله دؤیوشوب اونلاری گئری چکیلمه یه مجبور ائده ن میرهدایتین تسلیم اولونماسین ایسته دی. محمد ولی خان سپهسالار تنکابنی آذربایجانین او زمانکی لیاقت سیز والی سی یو ایسته گین قبالیندا باش اییب خویون والی سین مامور ائده رک جهانگیر میرزا ایله میر هدایتی توتوقلاندیریر. جهانگیر میرزا و میرهدایت ایله بیرلیکده قازاق خانانین یئنی استعفا وئرمیش باش افسرلریندن محمد علی خان آدلی بیر سی ده توتوقلاندیر.

۲۲-خورداد صبح چاغی بو اوچ نفری تبریزه آپارماق بهانه سی ایله سیمیتقونون مرکزی قرارگاهی ساییلان چهریقه گؤنده ریلر. کسروی میرهدایتین قولوندا یازیر: "من توتوملارین آنلایاراق جهانگیرمیرزایا دئدیم: بیزی چهریقه آپارماق ایسته ییرلر. گل دیره نیب ایستک لرینه باش ایمه یک. آما جهانگیرمیرزا قبوا ائتمه ییب دئدی: یوخ، بیزه سؤز وئریب لر بیزی تبریزه گؤنده رسین لر. بو اوزده ن من چاره سیز قالیب یانلیزجا قاچدیم." میر هدایت ایمام کندینده قوروقچولاری آلداتیب اللریندن قاچدی. آما جهانگیر میرزا ایله محمد علی خان چهریقه آپاریلاراق سیمیتقویا تسلیم ائدیلب اوچ گون دوستاق دا قالانندان سونرا شکنجه آلتیندا تانری یا قووشدولار. سیمیتقو بونا دا ایکتیفا ائتمه ییب رحمت لیک جهانگیر میرزانین دؤرد ال-آیاغین ناجاق ایله دؤرد تیکه ائده رک هره سین بیر داشین اوستوندن اوچوروما توللادی.

سیمیتقو آذربایجان والی سی نین گوج سوزلویو و یابانچی دؤولت لرین حیمایتیندن فایدالاناراق گونو-گوندن اؤز جینایت لرینه آرتیردی. رحمت لیک جهانگیر میرزانین شهید اولونماسیندان سونرا سیمیتقو عسگرلری قطور چاییندان آیریلیب خویون باتی کندلرینی سوواران سوپو کسه رک وار کندینه یوروش ائدیپ ۶ نفری شهید ائتدیلر.

تیر آیی نین اوچونده جهانگیر میرزانین شهادت خبری خویا چاتیب خویلولاری آغیر بیر ماتمه باتیردی. شهرین بوتون اهالی سی قارا گئینیب حاکیم لری بو اؤلوم اوزره قیناییردیلر. دؤولت ده بو اعتراض لاری آرتیق یوکسلمه سین دئییه دؤرد بازارلی مشروطه چی نی یاخالاییب سورگونه گؤندردی. آنجاق اعتراض لاری یاتیردا بیلیمه دیکلری اوچون خویون حاکیمی مهر آبی نین اون اوچونده حکومتی بوشلاییب تبریزه قاچدی. ایکی هفته خوی حاکیم سیز اولاراق مهر آبی نین ۲۹-اوندا سپهدار تنکابنی دن بیر تلگراف یئتیشیب میرزا علی اکبر خان خویا حاکیم اعلان اولوندو. بو حاکیم ده خویلولارین نیفرتی قارشیسیندا ایکی آیدان چوخ داوام گتیره بیلیمه ییب آذر آییندا خویو ترک ائتدی.

۱۲۹۸-ینجی ایل آذرین سون گونلرینده لکیستان فاجعه سی اوز وئردی. ایل اؤنجه سیمیتقو سلطان احمد کندینه یوروش ائدیپ چوخلو اینسانلاری شهید

گروه های دخیل در توطئه استان نمودن خوی

یکی از مسائل مهمی که به احتمال قوی در آینده ای نه چندان دور فراروی حرکت ملی آذربایجان قرار خواهد گرفت بحث تجزیه دگرباره ی استان های آذربایجان نام به واحد هایی کوچکتر در قالب استان هایی جدیدالتاسیس می باشد. احتمال وقوع این امر بخصوص در استان آذربایجان غربی با قبضه دگرباره ی قدرت از سوی محمود احمدی نژاد رو به فزونی یافته است. چراکه پیگیران این مبحث بخصوص در شهرستان خوی آشکارا وابستگان جریان حاکمی می باشند که نهادهای امنیتی و ارگان هایی چون سپاه و بسیج را در سیطره ی قدرت خویش دارند. در نوشتار حاضر به بررسی ماهیت گردانندگان این توطئه در جهت تکه تکه نمودن استان آذربایجان غربی و تبدیل شهرستان خوی به استان مرزی خوی می پردازیم. نخستین گروهی که در شهرستان خوی پیگیر و به گونه ای آغازگر بحث استان شدن می باشد نیروهای سپاه و بسیج می باشد. این نیروهای خودسر که تابع قوانینی جز خواست بزرگان خویش نیستند با بهره گیری از قدرت اقتصادی و سیاسی در قالب سیاست هایی هدف دار و بکار بردن تاکتیک هایی گوناگون سعی می نمایند که این امر را به خواستی عمومی تبدیل نمایند و یا حداقل در قالبی نمایشی آن را خواست شهروندان خوبی بنمایانند. چنان که این نیروها با نزدیکی به موعده انتخابات گوناگون بخصوص انتخابات محلی در شهرستان ، فضای شهر را مملو از پوستر ، تراکت و بنرهایی تبلیغاتی می نمایند که نمود بارز آن ها در خواست استان شدن خوی و نهادینه کردن شعار " خوی گره ک استان اولا " در شهرستان می باشد. یا در سخنرانی هایی گوناگون که شهرستان میزبان مقامات کشوری می باشد در قامت مردمی عادی در محل های سخنرانی ظاهر گشته و یکصدا شعار " خوی گره ک استان اولا " را سر می دهند. نمونه بارز این امر حضور این نیروها در محل سخنرانی احمدی نژاد در آخرین سفر وی به شهرستان خوی بود که مکررا این شعار را سر می دادند و جای جای محل سخنرانی وی مملو از پارچه نوشته هایی با این مضمون بود. تکرار مکرر این شعار آن هم به گونه ای وسیع سبب می گردد که هم ذهن شهروندان خوبی بی تاثیر نماند و چه بسا در برخی موارد نیز رو به انحراف گراید و هم ، این امر در قامت خواستی عمومی خویشتن را بنمایاند. این نیروها بدین امور نیز بسنده نمی کنند و در بنگاه های شایعه پراکنی خویش در محلات که تحت عنوان پایگاه های بسیج در ژوشه ژوشه ی شهر به چشم می خورد جلساتی پی در پی حول محور این موضوع تشکیل می دهند. سپاه با بکار بردن این تاکتیک ها هم سبب می گردد که رفته رفته مبحث درواست استان شدن به خواستی عمومی در شهر تبدیل گردد و بدین طریق در زمان فعلیت آن دیگر مردم آذربایجانی را فراروی خویش در جهت نیل به مقصد نیابد و هم به نوعی غیرمستقیم تفرقه در استان و مقدمات ایجاد فاصله میان شهروندان خوبی با شهروندان اورمیه ای را فراهم آورد.

دومین گروهی که در ادامه عملیات روانی سپاه به جد بحث استان شدن را آن هم به گونه ای رسمی دنبال می نماید ، نزدیکان سرکردگان شوونیسم حاکم و وابستگان باندهای قدرت اقتصادی ، امنیتی ، سیاسی و مذهبی شهر می باشد. این افراد که اکثرا پست های مهمی را نیز در اشغال خود دارند در قالب مجمعی تحت عنوان " مجمع خوبی ها " اعلان موجودیت نموده اند که مقر اصلی آن " حسینیه خوبی ها " در تهران می باشد. " مجمع خوبی ها " که متشکل از افراد شاغل در نهادهای امنیتی ، سیاسی ، مذهبی و اقتصادی کشور می باشند و در شناسنامه خویش مقابل محل

تبریزه گندیب ماکی عسگرلرین یاردیم ائتمه مه سی اوچون خوی حاکمیندن مخبرالسلطنه یه شیکایت ائتدی. خوردادین بشیننده نموخان ایلخانی ۵۰ آتلی ایله زئوه کندینه گندیب سیمیتقونون یاخینلاریندان ساییلان عمرآقا ایله گوروشدو. خوبا قاییدان زامان شهرین باشچی لاری نموخان دان عمرآقا ایله گوروشمک سببین سوروشدولار آنجاق نموخان یانیتلاماباراق دئدی: "سبزه ربطی یوخدور. سبب مندن یانلیز امنیت ایسته یین!" بو گونلرده خدادادسیف السلطنه تبریزدن ۲۰۰ ژاندارم ایله گئری دؤندو. ۲۰-مهر سویوق بولاغ فاجعه سی نین خبری خوبا چاتدی. سیمیتقو سویوق بولاغی فتح ائده رک ۴۰۰ ژاندارمی گولله یه باغالیب شهری تالان ائتمیش ایدی. بو اوزده ن شهرین آغ ساققاللاری یئنی دن توپلانیب اؤزلری شهری ایداره ائتمک ایسته دیلر. توتوم بئله اولدو کی شهرین بوتون اهالی سی سیلاح لانیب هر گئجه ۳۰۰ نفر شهرده قوروق وئرسین. ۱۵-آبان تبریزین ۱۴-ونجو ژاندارمری هنگی محمدپولادین نین قوماندانلیغی ایله خوبا گلدی. بو هنگین گلمه سی ایله شهر تعطیل اولونوب توکانلار باغلاناراق بوتون اهالی سیلاحلاندی. ۲۵-آبان دؤولتی نیرولار ساواش نیتی ایله سیمیتقونون قرارگاهی سارینا یولا دوشدولر. آنجاق ۲۸-آبان چوخلو تلفات وئرمک له اؤنجه دیزج دیزه سونرا خوبا گئری چکیلیمه یه مجبور قالدیلار. آذرین ایکی سینده دؤولتی نیرولار مین قبضه سیلاح ایله بیر میلیون قورشون خوبولاردان ایسته دیلر. اوچ گونون ایچینده نیرولارین بو ایسته گی یغیرینه یئتیریلدی. سه شنبه ۲۸-آذر ساواش یئنی دن باشلاندی. بیر گون سوره ن بو ساواش دا نهایت کوردلر غالب گلیب دؤولتی نیرولار ۴۴۵ شهید وئرمک له گئری چکیلیمه مجبوریتینده قالدیلار. شهید اولانلارین جنازه سی خوبا گتیریلیب آغلار گؤزلر ایچینده توپراغا تاپشیریلدی. آذربایجانین والی سی مخبرالسلطنه نین بؤیله لیاقت سبب ترپنمه سی اوزره ۱۲-بهمن تبریزین ۱۴-ونجو هنگی عسگرلری اؤنجه اؤز قوماندانلاری محمدخان پولادینی یاخلادیلار سونرا تبریزه گندیب مخبر السلطنه یی دوستاق ائتدیلر. سرتیپ حبیب الله خان پیمانی بو خبری دویونجا اؤز نیرولار ایله تبریزه گندیب مخبرالسلطنه یی خیلاص ائتدی. آنجاق مخبرالسلطنه آرتیق آذربایجاندا قالا بیلیمه ییب ۲۲-بهمن ده تبریزی ترک ائتدی.

۱۳۰۱-ینجی ایل ده سرتیپ امان الله میرزا جهانبانی ایرانین قوزئی باتی سی نین فرماندهی سنچیلیب بو بؤلگه ده سیمیتقو عصیانی نین یاتیریلتما سوروملوسو اولدو. جهانبانی ده ۱۵۰۰۰ نفرلیک بیر اوردو ایله بو گوره وی یئرینه یئتیردی. اؤنجه موردادین دؤردونده دؤولتی گوج لر نئچه بؤندن یوروشه باشلایب بیر گون عرضینده کوردلری مغلوب ائده رک سالماسی آزاد ائتدی لر. سونرا چهریق ساری یولا دوشوب موردادین ۲۰-سینده چهریق ده ایشغال اولوندو. چریقین اله کئچیریلیمه سی ایله یاناشی سیمیتقو تورکییه یه قاچدی. آما ایکی ایل سونرا ایرانا قاییدان زامان اؤلدورولدو.

باتی آذربایجان میلی مودافیعه کمیته سی نین خوی قولو

مطرح شده از سوی ایشان و آگاه نمودن مردم از نیت شوم پشت پردگان این توطئه می توان افکار عمومی را از اصل موضوع آگاه ساخت تا حداقل این حرکت ضد ملی خویش را بنام ملت به فعلیت نرسانند.

کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان - شاخه خوی

اورمییه

محمد امین رسول زاده

اورمییه دریاسی نین اورمو طرفی گولمه خانای کندی - اورمونون حال و اوزوندن بیر نمونه!...

بوراسی کیچیک بیر کنددیر. نه موللاسی وار، نه کندخوداسی. هر بیر جهتدن قونشوداکی بویوک کنده تابع دیر. خرواردان بیر اوووج نمونه قبیلیندن اولاراق گولمه خاندان آلدیغیمیز ذوقا، اورادا گوردویوموز حسن - قبولو، مهمان نوازیغی، اهالی نین ساده دل، صاف اوره کلی اولماسی ایله برابر، بیر درجه یه دک عاریف اولدوغونو گؤرونجه، اینسانین اوره یی شاد اولور. بو متشکلیکده نه قدر دل گشا، روح پرور ایسه خروار میتالیندا اولان اورمو داها ذوق افزا اولاجاغیندان اینسانین اوره یی همین او طرفه پرواز اندیر. دریانین او طرفیندن، دریانین اوزونده ایمام قولو میرزانین پاراخود آدی وئردیگی قان چاناغیندا اینسان نه قدر ازلیب، اوره یی نه قدر قیسلیبیرسا دا، گولمه خانادا بیر گنججه قالماق هامیسینی یاددان چیخاریر. کونکانادا مکتب وار ایدی، یعنی بیر موللا وار ایدی کی اوشاقلارا درس دئییردی. اما میزبانیمیز اوغلانلارین اوخوتمامیش و اوخوتموردو. ایسه گونده ریر ایدی. گولمه خانادا موللا یوخسادا قوناقچیمیز مورادین ۳ اوغلانلاری نین اوچو ده اهل ساواددیردیلا. "گلستان" سعدی دن شعرلر اوخویوب، رساله دن اوخوموشلار. بونلار شهرده موللا یانیندا اوخوموشلار.

گولمه خانادا گؤره رک گلدیغیمیز بو قدر قارانلیق صحیفه لر آراسیندا بیر صاف رنگلی گولدور. بورا اینسانین اوره یی نین آچیر، گولدورور. آدی نین گولمه خانای اولدوغو ناحق دئیلمیش!...

گون چیخمیش، گولمه خانانی ایشیق لاندیرمیش، جاوان یولچوم بیزی تله سدیریر، "ایستییه دوشرسینیز" - دئییرلر.

هاوادا گنجه نین سرینلیگیندن بیر اثر وار ایکن گئتمه ییمیزی مصلحت گورورلر. بیزمز حالیمز قالدیقلا ریندا اوز منفعت لرینی گؤزله مه لرین ده صاف درونانه اولاراق گیزلتمیرلر. اولار چالیشیرلار کی تزلیکله قایتسینلار، گمی آدم گتیرمیش اولور ایسه کرایه آپارسینلار. ائو کیشی سی مورد توقع اندیر کی قاییدان باش دخی اونلارا قوناق اولاق. وداع وئریریک، ودعلاشیریریک. کندی چیخدیقجا هامان یاخشی یول دئییه بیزی اوتورورلر، حورمت اندیرلر. کندی چیخیریک، تبه یی آشیریک، آرتیق دریا گورونمور. اطراف بوتون باغ دیر، گویه ریر. یولچولاریمیز بیزی تفریح اوچون خواهیشیمیزی عمله گتیرمک اوزره میلی ماهنی لار اوخویورلار. بو ماهنی لاردا نه قدر ساده لیک نه قدر حسیات طبیعی واردیر. ماهنی لاردان بیری سین کندچی نین حال حاضیرا نصبتن توتدوغو نقطه ی نظری صاف درونانه سی نی مترجم اولدوغو جهتدن شایان قید اولدوغوندان بورادا ذکر اندیریریک. ماهنی جاوان بیر کندلی دیلیندن اوز سنوگیلی سینه خطابا دئییلیر :

آبی، یاشیلی گئیینر، زبون یی ردن سورونر/ یاندم، یاناسان آی قیز!/ خیردا قالاسان آی قیز!/ آپارالار خان یانینا، منی داناسان آی قیز!/ قند اولسان، شکر اولسان/ جیهه دولاسان آی قیز!/ خیردا قالاسان آی قیز!/ آپارالار انجمنه

تولدشان شهرستان خوی نگاشته شده است با استفاده از ارتباطات وسیع در داخل حاکمیت و لایبی نمودن در لایه های بالایی به گونه ای گسترده خواستار تجدید نظر در تقسیمات کشوری می باشند تا به خیال خود گامی در جهت ارتقا زادگاه خویش بردارند.

سومین گروه پیگیر، برخی از کارمندان عالی رتبه ی نهادهای سیاسی شهر می باشد. این کارمندان که با تبدیل شهرستان به استان مقام سیاسی بالاتری را نصیب خویش می یابند همصدا با گروه های فوق الذکر گشته اند. به گونه ای شورای شهر خوی اقدام به تشکیل ستاد ویژه ای جهت پیگیری ارتقاء شهرستان خوی به استان می نماید و فرماندار در اظهار نظرهایی گوناگون سخن از پیگیری ارتقاء از شهرستان به استان می راند. آخرین شایعه ای که من باب در صدر نگاه داشتن این موضوع در شهر گوش به گوش چرخانده می شود و مدام از سوی این آقایان دامن زده می شود محدود بودن زمان فرمانداری ویژه بودن به پنج سال است و پس از پایان یافتن این پنج سال به قطع استان نرزی خوی تاسیس خواهد گشت.

چهارمین گروه فعال در راه تجزیه استان آذربایجان غربی، نشریات محلی وابسته به حاکمیت در شهرستان می باشد. این نشریات که اکثرا تحت نظارت نهادهای امنیتی به فعالیت می پردازند هر از گاهی اقدام به چاپ مطالبی در این باب می نمایند. بعنوان مثال هفته نامه "اورین خوی" در یکی از شماره های خود که نزدیک به موعده آخرین سفر احمدی نژاد به شهرستان منتشر کرد، اقدام به چاپ طوماری مکوده بود که گویا شهروندان خوبی یکصدا خواهان ارتقا شهرستان خود به بالاترین نوع تقسیمات سیاسی موجود می باشند.

آخرین گروه نیز قشری از شهروندان می باشد که فریب این توطئه وابستگان شوونیسم حاکم را خورده اند و بنا به علاقه ای که به شهر خویش دارند گمان می برند با استان شدن گامی رو به پیش در جهت توسعه ی شهر برداشته خواهد شد. از این رو نقش پیاده نظام وابستگان باندهای قدرت اقتصادی، سیاسی و امنیتی شهر را بازی می کنند بی آن که از اصل موضوع آگاه باشند.

آن چه که می توان در انتها و در مقام جمع بندی بیان نمود آنست که بحث تجزیه آذربایجان غربی و در صدر آن تبدیل شهرستان خوی به استان مرزی خوی جریان خزنده ای است که از سوی وابستگان به شوونیسم حاکم هم اکنون نیز به جد در حال پیگیری است. اما این بار جهت جلوگیری از حساسیت های احتمالی منعکس از هویت طلبان آذربایجانی نیروهای سپاه و بسیج با آگاهی از چگونگی چهره ی خویش نزد ملت نه به صورت مستقیم بلکه به گونه ای غیرمستقیم در تلاش اند تا این امر را به خواستی عمومی در میان مردم عادی در شهرستان تبدیل نمایند تا از این طریق هم بذر تفرقه میان شهرهای آذربایجان کاشته شود و هم در صورت فعلیت تجزیه دگرباره ی آذربایجان هویت طلبان آذربایجان خود را نه در مقابل دستگاه حاکم بل ملت خویش یابند و از دست یازیدن به اعتراض عاجز مانند. در کنار آن وابستگان باندهای قدرت نیز که در صورت ارتقا شهرستان به استان بی نصیب از موهبات اقتصادی و سیاسی آن نمی مانند بر این بحث دامن می زنند تا از این گذرگاه نیز سودی نصیب خویش یابند. در این سیر هم از طریق لایبی نمودن در حاکمیت و هم از طریق تشکیل جمع های گوناگون و به تبع آن تاثیرگذاری بر نشریات محلی به جد پیگیر موضوع می باشند. اما آنچه که در این میان برای هویت طلبان آذربایجانی نقش اولویت داری را بازی می کند آگاه نمودن شهروندان خوبی از این توطئه ی شوونیست های می باشد اگرچه وابستگان قدرت حاکم بخصوص در شهرستان خوی توانسته اند تا حدی افکار عمومی را منحرف نمایند ولی با ارائه ی پاسخ هایی مناسب در قبال ادعاهای

منی داناسان آی قیز!

ایشته آواماجاسینا دئییلن بو شعرلرده کی ، متاثر سؤزلر کنديستان حیاتینا بیر شعله سالیر دا ، اونو بوتون حقایقی ایله آشکار ائدیور. اوغلان بیر قیزی سئویر ، اونو آلیب قاچیر ، چونکی قیزین اوره کدن ایسته دیگینه باخماپاراق آتا - آناسی اؤزلرینه مخصوص ملاحظه لرینه گؤره وئرمک ایسته میرلر. خان یانینا آپاریب ، اونو قاندرماق ایسته بیرلر.

اینقلاب باشلاییر ، خانلیق ایشینه گئدیر ، انجمن قورولور ، آما عشق - محبت ایشی هامان کؤهنه لیگینده قالیر. بو دفعه ده قیزی سئوگیلی سی نی دانماق اوچون انجمنه آپاریلار.

ساده عاشیقین اوره گینی داغلابیب شاعیرانه خیاللارینی اویادیرلار. فوق دا کی ماهنی لاری اوختدورورلار. اؤیله کی ، اونون بو دردی ، او ، آغلابیب - اوخشاماسی میلی اولور.

یولچولار آغزینا دوشور دا ، داغلازا سس سالیر ، باغلاری آغلادیر ، مسافرلری دوشوندورور.

یولچولاریمیز چوخ مهربانديرلار، اؤز بیلدیکلرینی ظهورا وئرمک ده بیر ذره ده مضایقه ائتمیرلر، اوخویورلار. لاکین آواماجاسینا معنالی اولان ماهنی لاری ائشیتدیرن ، بو ساده اولان میللت ، وئردیکلری ذوق عوضینده موکافات آراق غیری یئرلرده اولدوغو کیمی جیب دیبل همان کؤنوله باخیرلار.

توق ائدیبلر کی ، من ده اوخویوم . بونلار اصرار ائدیبلر ، سیزین یئرین اوخوماغی نی ائشیتیمک ایسته ریک. مضایقه بوپورماينيز دئییرلر. بؤیله بیر ساده دل رفیق لرین اوره کلرینی سیندیرماق انصاف دیبل. اوخوماق بیلمه سم ده هامان یولچولاریمیزین خاطیرینی سیندیرماماق اوزره لئیلی مجنونون سؤیله بیر گؤره ک ای عربیندن استفاده ائدیرم.

یولچولاریمیزین شادلیغی ، راضیلیغی حدیندن آرتیق دیر. یولون ایریلیگینی یولچولاریمیزین دوزلوگو یاددان چیخاریر. گئدیریک. اؤزوموزو بو آندا مسعود بیلیریک. یولچولاریمیز یولدان کنار اولان هوندور بیر تپه نی نشان وئیرلر.

- باخ ، بو شیش داغی گؤرورسونوزمی ؟ بورادان بیزیم باشیمیزا نه بلالار یاغیر ایدی. کوردلر گلیب بورادا سنگر ائدیر ، گنجه لر تۆکولوب ، بو آرا کندلری بوتون چاپارلار ایدی. هامان بو یولون لاپ بوراسیندا بیزیم کندیمیزدن بیر نفرینی اؤلدورموشدولر. فقیر مظلومون بیر سی ایدی یازیق!..

بس کوردلردن سیزی موحافیظه ائدن یوخدورمو؟

- ای ، هاردا قالدی!.. بیزیم ایشیمیز بیر آلاها قالیب . اونون دا صبرینه قوربان اولوم!..

دوغوردان دا بو بیچاره کندچیلری اقوام وحشییه دن اولان داغ کوردلری نین تالانیندان کیمسه ساخلامامیشدیر . خصوصا بو آخیر کی ، مشروطه سنه لرینده. بیر واخت محلی ارتجاعیونلار مشروطه نی نظردن سالدیرماق اوزره یوللابیب، بیر واختدا سلطان حمید اداره سی سرحد مسئله سینی حل ائتمک اوزره کوردلری ایران سرحدینه قیسقیردیب کی اوراداکي کندلر عثمانلی حمایتینه و دخالتینه گلمه یه مجبور اولسونلار. مشروطه چی لر ده دائما بونلار ایله موذافیعه ده بولوندوقلاریندان ، فرصت اولدوقجا لرینی دوشه نی غارت ائتمه یه بونلاری ایجبار ائتمیشلردیر.

بؤیله بیر دولاما - دولاشیق سییاست دن ایستیفاده ائدیب ، اؤز قولدوقلوقونا مئیدانی آچیلیمیش وحشی داغ اهالیسی کوردلر ، بو یکی اوچ ایلین عرضینده اولمازین غارت لر ائتمیشلردیر. بؤیله بیر

زیاده تاثیر گؤره ن کنديستان اهالیسی ایسه ، مشروطه نین شولوقدان عبارت اولدوغونا اینانديريلمیشلاردیر.

بیزیم ساده دل ، صاف درون گولمه خانه چيله ریمیز دخی بو تاثیردن قورتارمامیشلار.

- اگر سیزین بو گؤزه ل و حاصلیل دار یئرلرینیزده قاعده اولایدی ، بو یئرلرین صاحیبی اولایدی ، یعنی قویایدیلر کی مشروطه دوزه لیدی ، او واخت سیز نه قدر مسعود اولور ، نه قدر خوشبخت کئچینیردینیز، بیلیمیرمیسینیز؟..

- آه ، مشروطه ده بیر شی دیلیدیر ، شولوقلوقدور. اگر شولوقلوق اولماسایدی ، البته مشروطه یاخشی دیر ، آما قویومورلار.

- بلی مشروطه یاخشی دیر ، آما قویومورلار. بو سؤزلرده ساده دلانه رد ائدیبلن بو سؤزلرده نه قدر حقیقت ، نه قدر معنا وار!..

- کیمدیر قویمایان ؟

- آلاها بیلیر!..

ایشته ایران مشروطه چیلرینه لازیم ایدی و لازیم دیر کی ، کندچی لرین ، اهالی نین موبالیغسیز ، تشویق سیز آلمیش اولدوقلاری بو درجه ده معلوماتلارینی آرتیر سینلار.

اؤیله ائتسینلر کی یازیق کندچی - مشروطه نی کیم قویومور؟ سوالی نین جاوابی نی آلاھین عهده سینا آتمایب دا اؤزو بیلین.

بؤیله اولور ایسه ، او واخت کسب حریت بو گونکو بیر حال فلاکتده دوشمز و اجنبی قوشونلاری دخی مملکت داخلینده شیپور چالیب ، نغمه اوخویوب نمایش ائتمز و مملکتین ایستیقلاالی تهلوکه یه دوشمز ایدی.

ای داد آدامسیزلیق ...

گئدیریک ، گون وار ، فقط بیز گؤرموروک ، یولوموزون بو یان ، او یانیندا باش قالخیزمیش اولان زمرد اولان زمرد رنگلی آغاجلار آسمانه چکیلیمیش کؤلگه سالمیش بیر همت لاقئیدانه ایله اطرافینا اهمیت وئرمه ییب یوکسه لیش پرستانه بیر حال ایله همشه یوخاری چکیلیمکه اولان قووقلار سرپاز صف لری کیمی دوزولموشلرده طراوتلی یارپاقلارین سیمین شعاعلاری ایله گونشین اوخلارینی رد ائدیبلر، یولو سرین ساخلیلار ، گؤزه ل بیر خیابانیدیر گئدیریک. طبیعتدن حض لرینیک. آغاجلارین خیشیلتی ، اونلاری ترنمه گتیریب طراوت وئره ن کؤتوکلرینده آخان سوپون شاققیتلی سی ، یولچولاریمیزین زمزمه سی یولدان کنار ائشیدیلیمکه اولان جوللوتلرین ماهنی لاری تام بیر موسیقی دستگاهی دیر!..

ایشته بو خیابان اورمییه یه گئدیر...

بیر آز سونرا شهره داخل اولاجاق!..

یولدا راست گلن غولاملار ، شهرین اوضاعیندان خبر وئیرلر.

مختلف لباسلی آداملار راست گلیر ده اورمونون بین الملل بیر شهر اولدوغونا دلالت ائدیر.

بؤیوک چالمالی ، گئن شالواری ، اننی قورشاقلی کورد گلیر. بئلینده کی خنجرینی راحلابیر. گؤزله رینده کی ایتی باخیشی ایله بیر چوخ معنالار ایفاده ائدیریر.

خیال ائدیرسن کی ، بؤیله دئییر:

- آخ ، نه اولایدی ، خلوتده الیمه دوشیدین!..

بیر دسته عرب دیلینه بنزر بیر لهجه ایله دانیشان مختلف قیافه لی اینسانلار کئچیر. بونلار یولون هر طرفینه باخیر ، یولچونون هامیسینا دقت ائدیبلر. بونلار قیافه ی میلیتترین ایتیرمیش اولان یاسورلاردیر.

Batı Azərbaycan milli müdafiə komitəsinin xoy qolunun yaranış bildirişi

Güney Azərbaycanın batı bölgəsi əskilərdən bəri türk ulusunun özgül doğma yurdu olubdur. bu topraq tarix boyu təkəcə türk mədəniyyətində dəyil bəl insanlıq toplumunun gəlişməsində mədəniyyət yaradan ocaqların ilk beşiyi sayılaraq türk kəltürünün zənginliyində təməl önəmə malik olub özəl jeoistiratejik durumuna xatir tarixin çeşidli evrələrində yabancı ellərin saldırcı baxışlarına məruz qalıbdır. bu saldırcı baxışlar Azərbaycan tarixində ilk topluluqlar yaranandan bəri zamanımıza qədər topraq davası kimi davam etməkdədir. əski dövranlarda batı Azərbaycanda yaşayan türk budunlarının düşman tinətli qonşuları asurilər , ariyayilər ilə ermənilər olsaydı bu gün işə kürd terrorçu hörgütlərin bu toprağın türklüyünə qarşı tamahkar düşüncələridir. bu terrorçu hörgütlərin yaranışlarından bəri etdikləri çalışma çeşidli yönlərdən irəli sürülərək batı Azərbaycan topraqlarına olan saldırcı baxışların aydıncasına göstərməkdədir. bu terrorçu hörgütlərin yanlış tarix yazmaqla uydurma tarix yaratmaq , batı Azərbaycan şəhərlərinin cəmiyyəti tərkibin dəyişdirərək uluslar arası səviyyədə labı etməklə Azərbaycan – türk şəhərlərini kürd topluluqlar kimi dünyaya tanıtdırmaq , mediya vasitəsi ilə kürd kütlələri içrə uydurma düşüncələr yaymaq , nəhayət silah götürüb bəşəri mədəniyyətə zidd olan terrorçuluq vasitəsi ilə maliyaxuliyayii amaçların sonuca çatdırmağa irəliləyirlər.

Bunlarla yanaşı güney Azərbaycanın siyasal gücə malik olmaması habelə fars istimarı altıda yaşaması bu durumu daha da şiddətləndirir. kürdlərlə soydaş olan fars rasimi türklüyə qarşı olan siyasəti əsasında çeşidli yollarla kürd terrorçuları dəstəkləyir. örnək olaraq : batı Azərbaycan şəhərlərinin cəmiyyəti tərkibin dəyişdirilməsində kürdlərə əlindən gələn yardımını belə əsgəməyir , PKK-PJAK kimi terrorçu qurupların məhvində ciddi piratik bir addım götürməyir , burada üz verən olayları xəbəri baykot edərək türk olan əsgərlərin şəhadətinə etinasızca davranır , əraqın quzeyində yaşayan barizanı kimi kürd terrorçu qurupu ilə tuğralı ilişgilərə girir və. ...

Bu arada xoy şəhəri batı Azərbaycanın önəmli şəhərlərindən sayılaraq kürd terrorçuların çirkin siyasətindən məsun qalmayıb günü gündən fars şovnismi himayəti ilə terrorçu qurupların xəterini daha da artıq hiss edir. bu üzdən biz bir sıra xoy şəhərinin milli fəallı olaraq öz türk millətimizin terrorçu quruplara qarşı oyanışın hər nədən üstün tutub batı Azərbaycan milli müdafiə komitəsinin xoy qolunun yaranışın elan edirik.

Xoy şəhəri

۱۲۸۸inci il fərvərdin ayı

.bonlardan kimisi iranlı qiyafə سینده اولوب کئچه پاپاقلی ، کیمیمی آوروپا لباسیندا اولوب حصیر شلیپالی ، کیمیمی قافقاز پالتاری گئییب باش فوراشکالی ، کیمیمی کرد لباسیندا قیرمیزی فصلیدیر.

اودور ایران اثرمنی سی گلیر. اثرمنی لیگینه اشاره اولاراق بئلینده بیر قاییشی واردیر. بولداشی زردوشتی پالتار یهودی ایله تورکجه صحبت ائدیر. مختلف میللت لرین آراسیندا بیر – بیرینی قانماق و قاندىرماق اوزره عمومی اولاراق تورک دیلی ایشله نیر. تورک دیلی بورادا بین الملل بیر دیلدیر. اونو هرکس بیلیر . اثرمنی ، کورد ، روس ، فرانسیز ، اینگیلیس ، فارس ، آیسور ، آلمان هامیسی تورکجه دانیشیر.

بو قدر مختلف جنس بیر هئیتین هامیسی ایله دانیشا بیله رم. تورکم ، بو جهندن اوزومو خوشبخت حیس ائدیرم.

بیزی ساخلا ییرلار . روس سولدا تالاری نین گلمه سی نی ائشیده بیلمیش ، خبر آیلرلار. دئییر کی صباح گله جک.

آیسوری لرین صفت لرینده بیر بشاشلیق گورونور. آنلاشیلیر کی ، بو ورود چوخدان گوزله نیر. او ساعت دؤنوب یانیندا باشدان – باشا آغ گئیمیش اولان قاری سینا اؤز دیلی ایله بیان حال ائدیر ، اودا سئوینیر.

سولدا تال گله جک ، خرستیانیانلیق گوجلنه نه جک ، کوردلر داها غارت ائده بیلمه یه جک لرمیش !...

هامان منظره ، هامان طراوت ، هامان آهنگ ، هامان خیابان دیر گئدی ریک. طبیعتین حسن و قدرتین حس ائدیر ، یاراتدیغی مختلف الوان مخلوقاتی گورور، حفظ ائدی ریک !...

ناگه بیر عطر گیاه و سبزه انه اؤیرنمیش اولان قونشوموزا تنفر ائدیر ، بؤیله بیر گوزه ل و معطر اولان عرصه گاه طبیعتدن خلاف معمول اولاراق نیفرتلی و چیرکین بیر قو خو قالخیر.

بو دباغ خانا قوخوسودور...

شهر دروازاسی نین قاباغیندان آخان سویون اوستونده کؤلگه لی سو بودون دیبینده قوللاری و بالدی ریی چیرمانمیش دباغ ، باشینی آشاغی سالیب ، آشیلانمیش جامیش دریسینی تمیزله ییر. دریدن قالخان عفونت ، سویو ، هاوانی پیسلی بییر ده ، دباغ چینین تچکیل ائله دیگی هئیت بوتون او منظره یه شاعرانه نی کورلویور.

آتاری قامچیلاییر ، بورنوموزو توتوب جلدلیک ایله اؤتوروک ، شهره داخیل اولوروق.

اورمییه

م. امین

"ترقی" ، نومره ۱۴۴ ، ۳۰ اییون ۱۹۰۹

قایناق : " محمد امین رسول زاده " – شیر محمد حسین اف ، (بیرینجی جیلد)

کؤچوره ن : باتی آذربایجان میلی مودافیعه کمیته سی نین خوی قولو